

نقش نظام هستی‌شناختی قرآن در ارتقای اخلاق زیست‌محیطی

* نرجس ملک‌محمدی
** فتح‌الله نجارزادگان
*** حسین معصوم‌بیگی

چکیده

در نگاه قرآن کریم، تمام اجزای هستی دارای صفاتی همچون هدفمند، تسلیم، سنجیده، زیبا و قدسی، نشانه، تسبیح‌گو و سجده‌کننده در برابر پروردگار هستند. درک هر کدام از این اوصاف می‌تواند آثار قابل‌توجهی در ایجاد و ارتقای اخلاق زیست‌محیطی انسان - که خود نیز مشمول همین اوصاف است - فراهم آورد؛ چراکه این اوصاف گویای آن هستند که همه هستی دارای شعور و در پی کمال خویش بوده، دارای حقوق ویژه خود هستند. بین انسان که مانند سایر اجزای هستی هدفمند آفریده شده است و طبیعت که در مسیری هماهنگ با سیر کمال انسانی در حرکت است ارتباط معناداری حاکم است. بنابراین مراعات اخلاق زیست‌محیطی، هماهنگ شدن با جریان هستی در مسیر تکوینی آن است.

واژگان کلیدی

هستی‌شناختی قرآن، محیط زیست، اخلاق زیست‌محیطی، انسان.

*. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه تهران (پردیس قم).

narjesmalekmohammadi@yahoo.com

najarzadegan@ut.ac.ir

** استاد دانشگاه تهران (پردیس قم).

*** استادیار مرکز تحقیقات بهداشت نظامی دانشکده بهداشت و علوم پزشکی بقیةالله (ع.ج).

masumbeigi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۳

طرح مسئله

شناخت محیط زیست از آن جهت که به‌عنوان طرف ارتباط اخلاقی انسان است حائز اهمیت است؛ این واژه در لغت و اصطلاح معنا شده و دیدگاه‌هایی در مورد آن طرح شده است که مختصراً به آن اشاره می‌کنیم.

محیط زیست به همه محیط‌هایی اطلاق می‌شود که انسان به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او با آن در ارتباط است. (قوام، ۱۳۷۵: ۳) واژه «محیط» واژه‌ای عربی و به‌معنای مکان، اوضاع و احوال و آنچه شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول باشد، می‌آید. (دشتی، ۱۳۸۵: ۵ / ۲۴۰؛ معین، ۱۳۵۴: ۳ / ۳۹۲۹) «زیست» هم واژه‌ای فارسی و به‌معنای زندگی است. (همان: ۳ / ۶۱۱؛ معین، ۱۳۵۳: ۲ / ۱۷۷۱) مراد از محیط زیست در اینجا، محیطی فراگیرنده و طبیعی است که انسان در آن زندگی می‌کند. هر انسانی در طول حیات خود، شایسته بهره‌مندی از محیط زیست سالم و در شأن خود است تا با زندگی در محیط سالم و شاداب بتواند وظایف دینی و اجتماعی خود را به بهترین صورت انجام دهد.

در تعریف دیگر، محیط زیست را می‌توان به یک منطقه‌ی محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده، اطلاق کرد. متن حقوقی مصوب شورای جامعه اقتصادی اروپا، در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ در تعریف آن چنین می‌گوید: «محیط زیست شامل: آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است». (الکساندرکیس و دیگران، ۱۳۷۹: ۵) با توجه به اینکه بحث ما رویکرد اخلاقی به محیط زیست دارد مقصود ما از محیط زیست در این مقاله، محیط فراگیرنده و طبیعی است که طرف ارتباطی انسان قرار می‌گیرد. قرآن به هستی و به‌ویژه محیط زیست که در تعامل و مواجهه انسانی قرار دارد جایگاه ویژه‌ای قائل است و هستی را چون انسان دارای شأن اخلاقی می‌داند لذا انسان را در برابر آن مسئول و مکلف می‌داند؛ در این راستا مطالعه آیات قرآن و گزاره‌های وحیانی می‌تواند چند مسئله مهم را در این باره پاسخ‌گو باشد.

با توجه به تبیین قرآن کریم از هستی، الگوهای کاربردی اخلاق زیست‌محیطی برآمده از

قرآن کریم در ارتقای اخلاقی انسان در برابر محیط زیست نقش چشمگیری خواهند داشت. از این رو با بهره‌گیری از آیات قرآن و تفکر در آنها، در پی پاسخ به چند سؤال زیر هستیم:

۱. آیا نظام هستی‌شناختی قرآن ویژگی خاصی برای عالم هستی قائل شده است و اگر این چنین است این ویژگی‌ها چگونه است؟

۲. آیا با استناد به این اوصاف و ویژگی‌های هستی می‌توان الگوهایی اخلاقی برای محیط زیست ارائه کرد و در پرتو آن مسئولیت‌های اخلاقی انسان را استخراج کرد؟
بررسی موردی برخی آیات قرآن و استخراج برخی ویژگی‌های طرح شده در مورد هستی می‌تواند پاسخی درخور توجه به سؤالات ایراد شده باشد.

رویکرد قرآن در مواجهه با محیط زیست

یک. توجه به اخلاق زیست‌محیطی

قرآن کریم جهان هستی را عرصه تفکر انسان می‌داند و وی را به اندیشه در زوایای هستی و شناخت آن فرا می‌خواند. از جمله می‌فرماید:

در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در کوتاهی و بلندی شب و روز و در کشتی‌هایی که در دریا روان‌اند و در بارانی که خدا از آسمان فرو فرستاد و زمین را پس از آنکه مرده و بی‌گیاه بوده، به وسیله آن حیات بخشید و از هر جنبنده‌ای در آن پراکنده ساخته و در فرستادن بادها از سویی به سوی دیگر و در ابرهای مسخرشده میان آسمان و زمین، نشانه‌هایی بر وجود آفریدگار و یکتایی او در تدبیر جهان است. این نشانه‌ها را مردمی در می‌یابند که به خرد، حق را از باطل تشخیص می‌دهند. (بقره / ۱۶۴)

با توجه به اهمیت شناخت این جهان از دیدگاه قرآن، بهره‌مندی از محیط زیست سالم، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آدمی در این عرصه خواهد بود.

اخلاق زیست‌محیطی با دغدغه‌های جهانی، مثل رابطه انسان با محیط زیست، درک انسان از مسئولیت خود در برابر محیط زیست و تعهد به حفظ منابع برای نسل‌های آینده سروکار دارد. همچنین جلوگیری از انتشار آلودگی‌های زیست‌محیطی، استفاده از منابع زمین و نگهداری از

حیات وحش و تنوع گونه‌ها در گستره این اخلاق جای دارند. (Pojman, 2001: 1 & 2)

از دیدگاه قرآن، اخلاق زیست‌محیطی علاوه بر توجه به سلامت انسان، شامل حفاظت از طبیعت و محیط زیست و ضرورت توجه انسان به استفاده صحیح و متعادل از محیط زیست بدون خسارت و تخریب آن می‌شود. در قرآن وظایف انسان در برابر بهره‌برداری از طبیعت و نعمت‌های خداوندی همراه با عدالت و در جهت تأمین نیازهای خود ذکر شده است. دیدگاه برخی صاحب‌نظران در مورد آیه «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ...» و در راه رفتن خود میانه‌رو باش...» (لقمان / ۱۹) قابل توجه است که در آن به معنای قصد اشاره لطیفی گردیده چرا که کلمه «قصد» در هر چیز به معنای «حد اعتدال» در آن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۲۷) بر اساس این نظر چون نیاز انسان بنا بر تکوین به امکانات طبیعی و معیشتی محدود است؛ با مقداری خوراک سیر می‌شود، مساحت اندکی از زمین، او را از باقی زمین بی‌نیاز می‌کند، سپس حدّ طبیعی و هم حدّ شرعی در این نیازمندی‌ها، حد میانه است. یعنی مناسب است انسان به اندازه‌ی نیاز خود را در اختیار داشته باشد، نه کمتر تا فقیر و بدبخت شود و نه بیشتر تا به صورت انسانی مسرف و مصرفی درآید. (حکیمی و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۳ / ۳)

آیه ۱۰ سوره اعراف نیز می‌تواند گویای توجه خدا به مسئولیت اخلاقی انسان در قبال محیط زیست باشد:

و همانا شما را در زمین سکونت دادیم و برای شما در آن اسباب زندگی نهادیم
و شما اندک سپاسگزاری می‌کنید». (اعراف / ۱۰)

قرآن کریم در برخی از آموزه‌های خود، باید و نباید را در کنار هم مطرح کرده و به بهره‌مندی از محصول طبیعت امر نموده است؛ در مقابل عدم تعادل در مصرف آن و اسراف را عامل از دست دادن محبت خداوند می‌شمرد: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف / ۳۱) و مسرفان را اهل آتش دانسته است: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ». (مؤمن / ۴۳) بنابراین انسان می‌تواند تمام نیازمندی‌های خود را از طبیعت استخراج کند؛ ولی باید در بهره‌وری از نعمت‌های الهی، تعادل را رعایت کند.

ارتقای سطح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری در دنیا، به‌ویژه در دو دهه گذشته، بهره‌برداری بیش از حد از محیط زیست را در پی داشته و انسان با وارد کردن انواع آلاینده‌ها به محیط، سبب بروز اختلال در نظام طبیعت و انتشار آلودگی‌های فراوانی در محیط گشته است. این رفتار انسان در استفاده طمع‌کارانه از نعمت‌های الهی، آثار زیان‌باری به محیط زیست وارد کرده است. این آثار سبب توجه بیشتر بشر به اهمیت محیط زیست در زندگی انسان‌ها شد و دانشمندان و متخصصان محیط زیست را به مطالعه و بررسی راهکارهای علمی برای مقابله با این آثار زیان‌بار انسان بر طبیعت وادار کرد. تاکنون، روش‌های علمی و اهرم‌های قانونی فراوانی برای کنترل این بهره‌کشی بدون حساب از طبیعت اجرا شده است؛ ولی هنوز برای کنترل نفس سرکش انسان در رعایت عدالت و بهره‌مندی مناسب از طبیعت توفیقی حاصل نشده است. یکی از اهرم‌هایی که توجه به آن می‌تواند در بهره‌مندی درست از نعمت‌های خدا و حفاظت از محیط زیست مؤثر باشد، توجه به دستورالعمل‌های قرآن است.

دو. رابطه خدا و جهان هستی

جهان هستی در تسخیر آدمی است: «... أَنْ اللَّهُ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ...» (لقمان / ۲۰) برخی از فلاسفه و بیشتر عرفا به تبعیت از قرآن معتقدند انسان به هر معنا که باشد، با عظمت‌تر از اجزای هستی و والاتر از آنهاست و خداوند جهان هستی را برای بر آوردن نیازهای انسانی و بارور ساختن شخصیت او - که شعاعی از خورشید عظمت الهی است - به جریان انداخته است. اجزای جهان هستی با آگاهی از هدف مزبور که خداوند تعیین فرموده است، دست محبت و عشق به یکدیگر داده، در راه به ثمر رسانیدن شخصیت آدمی، نقش ایفا می‌کنند. معشوق بودن جهان، راه دیگری هم برای انسان می‌تواند داشته باشد و آن ارتباط هستی با خداست. در نتیجه در جهان هستی، یک عشق مثلثی الهی وجود دارد که ارکان عبارت است از:

- ضلع اول، عشق اجزای هستی به یکدیگر به جهت اشتراک در به ثمر رسانیدن شخصیت انسانی است که توانایی عشق ورزیدن به خدا را دارد.

- ضلع دوم، عشق جهان هستی به انسان است که نهایت کمال و جمال هستی را شکوفا می‌کند. این ناشی از عشق خود جهان هستی به برآوردن هدف خداوندی است.

- ضلع سوم، عشق انسان به جهان است؛ زیرا جهان هستی او را می‌پروراند و آماده سلوک به سوی کمال و جمال مطلق می‌کند. (تفرشی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۱: ayoub.persianblog.ir)

بنابراین نحوه شکل‌گیری انگیزه اخلاقی و مراعات اخلاقی درباره محیط زیست - با توجه به رابطه خدا و جهان هستی - یک معرفت توحیدی است که در انسان گرایش و انگیزه ایجاد کرده، منجر به رفتار اخلاقی در برابر محیط زیست می‌شود. آیات قرآن با بیان مصادیق گفته‌شده درصدد است انسان را به یک معرفت و شهود درونی درباره هستی برساند. این معرفت برای مراعات اخلاقی انسان در برابر هستی حجت است.

سه. اوصاف عمومی هستی در قرآن

خداوند جهان هستی را با برخی ویژگی‌های مشترک - بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های منحصر به فرد هر مخلوق - آفریده است که بین تمام اجزای این جهان عمومیت دارند. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. هدفمندی

از نگاه قرآن، هر پدیده‌ای برای رسیدن به غایتی که برای آن آفریده شده، در حرکت است و مجموعه پدیده‌های جهان هستی به سوی مقصد نهایی خویش در حرکت هستند. از هدفمندی هستی برمی‌آید که تمام اجزای آن رو به سوی خالق خود دارند:

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَحَّرَ
الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ
رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ. (رعد / ۲)

خداست آنکه آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید برافراشت، سپس بر عرش فرمانروایی تسلط یافت و خورشید و ماه را رام ساخت. هر کدام تا سرآمدی معین در حرکتند. او کار جهان را تدبیر می‌کند، و موجودات را

که نشانه‌های یکتایی اویند از هم جدا می‌سازد تا بدانید که مجرمان و نیکوکاران را نیز از هم جدا خواهد کرد، باشد که به دیدار خدا و برپایی قیامت یقین کنید.

در این میان، تنها انسان دارای اراده و اختیار است و می‌تواند با انتخاب خود، در مسیر حرکت به سمت مقصد غایی آفرینش که برآورنده سعادت اوست، گام بردارد. خداوند می‌فرماید:

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن دو است، نیافریده‌ایم که بازی کنندگان باشیم. پس مردم گمان نکنند که به سوی ما باز نمی‌گردند و پاداش و کیفری در کار نیست. (انبیاء / ۱۶)

بنابراین اگر بخواهیم هستی خود و جهان را بدون وجود مبدأ باشعوری توجیه و تبیین کنیم، هیچ‌گاه نمی‌توانیم به پاسخ این پرسش که «هدف آفرینش چیست؟» دست یابیم. (نصری، ۱۳۷۹: ۹۵) در برخی از آیات دیگر آمده است که آسمان و زمین دارای غایت است و باطل در آن راه ندارد و از روی لهو و لعب نیست. (دخان / ۳۸ و ۳۹)

از این آیات استنباط می‌شود که خداوند هر شیئی را به بهترین حالت ممکن و برای آسایش و بهره‌گیری انسان در جهت پیمودن راه کمال آفریده است. انسان نیز باید با استفاده از درایت و شعور خود در جهت استفاده صحیح از این نعمت‌ها تلاش کند. بهره‌گیری صحیح از نعمت‌های خداوند و منابع طبیعی محیط زیست، تمام آن چیزی است که به‌عنوان یک رفتار صحیح و الگوی کاربردی اخلاق زیست‌محیطی در جهت حفظ و استفاده متعادل از منابع و نعمت‌های خدا معرفی می‌شود. شبستری در این زمینه می‌گوید:

جهان چون زلف و خط و خال و ابروست که هر چیزی به‌جای خویش نیکوست

پس با توجه به آیات قرآن کریم، نظام آفرینش در مقام پیدایش، بیهوده آفریده نشده است و در مقام بقا نیز رها نیست تا انسان هرگونه که بخواهد و نیازش اقتضا کند، از آن بهره بگیرد و به آن آسیب برساند. شایسته است انسان به‌عنوان جزئی هدفدار از هستی با

بهره‌گیری درست از قوه عاقله خود، زمینه را برای سایر اجزای هستی در جهت رسیدن به غایت آنها فراهم آورد.

در اینجا رابطه‌ای دوسویه فراهم می‌شود؛ از یک‌سو هستی هدفمند است و آدمی را برای رسیدن به هدفش (قرب به خدا) فرا می‌خواند و از سوی دیگر، انسان زمینه بهره‌گیری صحیح از هستی را برای رسیدن به اهداف خود و جهان هستی فراهم می‌آورد. در هر دو سو، چون زندگی آدمی با طبیعت گره خورده است، پس او برای نیل به کمال خود و نیز نیل جهان هستی به فرجام خود، ملزم به رعایت اخلاق زیست‌محیطی است؛ زیرا انسان در این فرآیند نمی‌تواند خود را جدای از سایر اجزای هستی ببیند.

۲. تسلیم (فرمانبرداری)

قوانین حاکم بر طبیعت، چیزی جز سنت‌های خداوند برای عالم مخلوقات نیست. هستی همراه با این قوانین الهی، نظامی هماهنگ و تحت فرمان اوامر الهی است. از این رو در جهان‌بینی‌هایی که طبیعت را تحت سنت‌های خداوند دارای هماهنگی بنیادین می‌بینند، همواره نمونه‌های اعلای تسلیم را یادآور می‌شوند. (نصر، ۱۳۷۹: ۲۰۱ و ۲۰۲)

برخی آیات قرآن کریم که ارتباط مستقیمی با موضوع تسلیم دارند،^۱ بیانگر آن هستند که هستی از سر شعور، تسلیم پروردگار خویش گشته است. در راستای فرمانبرداری از خداوند، فعالیت‌های جوامع بشری دارای دوگونه جهان‌بینی الهی و مادی می‌شوند که این باعث دو تفکرو به‌طور منطقی، دو گونه برخورد با محیط زیست و طبیعت می‌گردد. جهان‌بینی مادی که طبیعت را موجودی بی‌شعور می‌داند، به‌طور طبیعی باید بپذیرد که هرگونه دخل و تصرف در آن رواست؛ درحالی‌که در جهان‌بینی الهی، طبیعت موجودی هوشمند و نشانه‌ای الهی شمرده می‌شود.

۱. مانند: «تَمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ؛ سپس به آفرینش آسمان پرداخت و آن توده‌ای از دود بود. پس به آسمان و زمین فرمود: خواه یا ناخواه باید به صحنه وجود بیایید. گفتند: آمدیم و همه به دلخواه مطیع فرمان تویم.» (فصلت / ۱۱) و «وَكَلَّمَ مَنُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهُ قَائِمُونَ؛ همه کسانی که در آسمان و زمین هستند (فرشتگان، جنیان و آدمیان) خاضعانه به فرمان او گردن نهاده‌اند.» (روم / ۲۶)

خداوند می‌فرماید:

سُئِرَ بِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ ... (فصلت / ۵۳)

ما به زودی آیات و نشانه‌های خود را در آفاق و اطراف جهان و همچنین در درون جان خود آنها، به آنان، نشان می‌دهیم.

انسانی که دارای جهان‌بینی الهی است و جهان هستی را باشعور و فرمان‌بردار خداوند می‌داند، مواجهه خود با محیط زیست را در راستای سالم‌سازی و در چهارچوب بندگی پروردگار قرار می‌دهد و از برخورد تباه‌انگیز با آن‌گریزان است. اهمیت این مسئله تا آنجاست که مشرکان از پیامبر درخواست کردند برای اثبات حقانیت خود از درختی بخواهد تا به سوی او حرکت کند. پیامبر ﷺ خطاب به درخت فرمودند: اگر می‌دانی که من فرستاده خدا هستم، با رگ و ریشه از جای خود کنده شو و به سوی من بیا و درخت چنین کرد. (ولایی، ۱۳۸۸: ۵۱ و ۱۱۹) این اقدام درخت می‌تواند دلیلی بر هوشمند بودن گیاهان باشد.

طبق بیان قرآن کریم، خداوند بر همه چیز قادر است (طلاق / ۱۲) و همه هستی فرمان‌بردار بی‌چون و چرای اوست. با این حال، فرمان اختیار هستی به‌دست انسان است یا در جهت منافع انسان حرکت می‌کنند: «وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَكُلُونَ؛ و دام‌ها را مسخر آنان کردیم، پس از آنهاست وسیله سواری آنان و از گوشت آنها می‌خورند.» (یس / ۷۲) در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ إِيَّاكَ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. (نحل / ۱۲)

و برای شما شب و روز و خورشید و ماه را رام ساخت و ستارگان به فرمان او رام شده‌اند. برآستی در اینها نیز برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌هایی بر یگانگی خدا در تدبیر هستی است.

یکی از ابعاد اخلاقی این‌گونه آیات آن است که انسان در عین بهره‌مندی از طبیعت، باید به حق خود قانع باشد و حق طبیعت را نیز با بهره‌برداری درست و عدم ویرانگری - بلکه با احترام به آن - ادا کند.

به هر روی، تمام هستی از سر شعور تسلیم خالق خویش است. پس آدمی خود را در برابر محیطی می‌بیند که از روی آگاهی، تسلیم پروردگار شده و خود را در اختیار انسان نهاده است. شایسته است انسان با استفاده بهینه از مواهب این طبیعت و رعایت حقوق سایر اجزای هستی، هم‌آوا با هستی، فرمان‌بردار واقعی خداوند باشد.

۳. انسجام و سنجیدگی

از نگاه قرآن، یکی از ویژگی‌های بارز و مهم آفرینش آن است که خداوند آن را براساس حکمت، حساب‌شده و نظام‌یافته آفریده است. قرآن کریم درباره همه اجزای هستی به‌طور عام می‌فرماید: «... قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ (طلاق / ۳) و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.» و «... وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ قَدْرَهُ تَقْدِيرًا؛ و هر چیزی را او آفریده و چنان که باید برای آن اندازه معین کرده است.» (فرقان / ۲) خداوند، محیط زیست و طبیعت را به دقت هرچه تمام‌تر، هماهنگ، با ثبات و از روی اندازه و حساب آفریده است. (سعدالدین، ۱۳۷۸: ۴۰)

قرآن همچنین به‌طور خاص درباره برخی از اجزای آفرینش توجه خاصی به هماهنگی و انسجام در خلقشان می‌کند به عنوان مثال در خلقت آسمان می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ؛ (الرحمن / ۷) و آسمان را برافراشت و هرگونه ابزار سنجش را در میان نهاد (تا باورها، گفتارها، کارها و دیگر چیزها با آن سنجیده شود)، در مورد خورشید و ماه آورده: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ؛ (الرحمن / ۵) خورشید و ماه بر طبق حسابی که از سوی او مقرر شده است، پیوسته در حرکت‌اند». اینها حاکی از آن است که هستی موجود است از سر دقت و حکمت آفریده شده‌اند؛ پس انسان‌ها باید این نظم شگفت‌انگیز طبیعت را که حیات آدمیان و دیگر حیوانات زنده در گرو آن است، بزرگ بشمارند و آن را پاس بدارند و از هرگونه فساد در کشاورزی و نسل آدمیان و اسراف در بهره‌وری از طبیعت بپرهیزند که پیامدهای بس وخیم و زیان‌بار آن دامن‌گیر خود آنان خواهد شد. این هشدار در بیان قرآن به شکل بسیار جدی‌تری بیان شده است: «از روزی خدا بخورید و بیاشامید و فسادگرانه در زمین تباهی کنید.» (بقره / ۶۰)

بر پایه این آیه، از جمله فسادهایی که ممکن است انسان مرتکب شود، آلودگی و تخریب

محیط زیست است. خداوند انسان‌ها را با برخورد با محیط می‌آزماید. برخی از انسان‌ها در این آزمون با اقدامات غیر منطقی خود، چهره طبیعت را مخدوش ساخته و دامنه آلودگی زیست‌محیطی را به قدری گسترش داده‌اند که زندگی انسان‌های امروز و نسل‌های آینده را به مخاطره انداخته است. لازمه رهایی از وضعیت موجود، دگرگونی در نگاه انسان به طبیعت و تعامل مطابق خلقت با آن است. (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۳۵)

این تعامل باید براساس عدالت باشد تا نظم و انسجام هستی پابرجا بماند: از بیان: «إِغْدُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى.» (مائده / ۸) می‌توان یکی از مصادیق عدالت تقوا در مسیر برخورد مناسب با محیط و بهره‌برداری شایسته از آن دانست. هرچند برخی از اجزای طبیعت قابل بازسازی باشند، این سبب نمی‌شود انسان خودمختار عمل کند و انسجام هستی را بر هم زند.

قرآن کریم تخریب محیط زیست را نوعی فساد در زمین می‌داند: «وَكَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ و در زمین پس از آنکه سامان یافته است، تباهی نکنید.» (اعراف / ۸۵) رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین و آبادانی آن از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی و عین اخلاق زیست‌محیطی است و نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران است. قرآن می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ. (رعد / ۲۵)

و کسانی که عهدشان را با خدا پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را به پیوستن آن فرمان داده است، می‌گسلند و با انجام کارهای ناشایسته در زمین فساد می‌کنند، برای آنان دوری از رحمت خدا خواهد بود و ناگواری این سرا را خواهند داشت.

در آیه‌ای دیگر آمده است هر عمل نیک یا بد به نفع یا ضرر انجام‌دهنده آن است. (فصلت / ۴۶) پس در مقابل هر اقدامی که منجر به خسارت به محیط زیست شود، اول کسی که از آن متضرر خواهد شد، خود فرد خاطی است. پس بر اساس منافع حتی مادی، انسان باید به اخلاق زیست‌محیطی پایبند باشد؛ چرا که عکس‌العمل بد اخلاقی و لطمه به طبیعت بر

اساس مبانی قرآن ابتدا دامن خود انسان را می‌گیرد.

حاصل آنکه انسان باید با درک درست از قرآن و نظام هستی، الگوی اخلاق زیست‌محیطی برآمده از قرآن را - که بیانگر سنجیده بودن نظام هستی است - با بهره‌گیری شایسته و تعامل متناسب با محیط زیست رعایت نماید.

۴. زیبایی و قدسی

قرآن کریم که مقدس‌ترین متن دینی است، صحنه آفرینش را پرده پرنیانی جمال و شکوه خدا می‌داند و آرایش نظام هستی را بر پایه آرامش بشر معرفی کرده، سراسر گیتی و مینو را به زیبایی می‌ستاید. از دیدگاه قرآن کریم، انسان و تمام مخلوقات خدا به بهترین و زیباترین شکل آفریده شده‌اند: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ...؛ خدایی که آنچه را آفرید زیبا و نیکویش ساخت ...» (سجده / ۷) خدا همه چیز را زیبا خلق کرد که از آن زیباتر ممکن نبود، وگرنه علم خداوند به آن تعلق می‌گرفت و از گستره سفره بخشش خدایی جدا نمی‌شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۹ و ۲۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ؛ خداوند زیباست، زیبایی را دوست دارد.» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۶: ح ۷۸۰)

بنابراین از دیدگاه قرآن کریم، جهان هستی زیبا خلق شده است تا بخشی از گرایش درونی انسان به زیبایی برآورده شود؛ تا بدانجا که به زیبایی آسمان نیز توجه شده است:

آیا به آسمان که بالای سرشان است ننگریسته‌اند که ما چگونه آن را ساخته و با ستارگانی درخشان زینتش داده‌ایم و برای آن هیچ‌گونه خلل و شکافی نیست؟
(ق / ۶)

گروهی در اثر حرص و طمع و نیز اغوای شیطان که با ارائه کژراهه‌ها، بشر را فریب می‌دهد، به عصیان روی آورده، سنت زیبای خداوند را به بدعت تبدیل کرده‌اند و نظام باشکوه آفرینش را دچار هرج و مرج و آلودگی نموده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۲) آنها غافل از این هستند که محیط پاک و آراسته، زندگی را شاداب می‌سازد. شنیدن آواز روح‌بخش پرندگان، ترنم لطیف جویباران، زیبایی شهر و دیار و ... تأثیر اعجاب‌انگیزی بر زندگی و آرامش روحی انسان دارد.

توصیف خداوند از باغ‌های وسیع و سرسبز بهشتی که نهرها از زیر درختان آنها جاری است، بسیار مورد پسند آدمیان و شوق‌انگیز است و بهترین دلیل آن، استقبال فراوان از تفرج‌گاه‌ها و مناطق جنگلی و حاشیه رودها و آبشارها و دریاچه‌هاست که نمونه‌های زیبایی «... جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» (بقره / ۲۵) در آخرت بوستان‌هایی انبوه از درختان است که از زیر آنها جوی‌ها روان است» می‌باشند. هر کس از تماشای چنین منظره‌های زیبایی احساس آرامش و نشاط نموده، امنیت و آسایش را در حیات خویش لمس می‌کند. (حسین ذکی، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

با تأسف، روند زندگی موجب شده تا بشر از زیبایی‌های طبیعت فاصله بگیرد. انسان امروزی رابطه مستقیم با طبیعت را از دست داده است و سعی می‌کند با الفاظ بی‌جان و داستان‌ها و تصاویر بی‌روح، رابطه خود را با طبیعت برقرار کند؛ غافل از اینکه چنین رابطه غیر مستقیمی با طبیعت هیچ‌گاه آثار رابطه مستقیم را ندارد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۴ / ۱۸ و ۱۹)

الگوی اخلاق زیست‌محیطی قرآنی، انسان را به حفظ زیبایی محیط زیست که صنع خدای زیباست، رهنمون می‌گردد و این امر با فطرت انسانی سازگار است.

یکی از اسمای حسناى الهی «الْقُدُّوس» است که در قرآن با بیان «... الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ (جمعه / ۱) همو که فرمانروای هستی و پیراسته از نیازمندی و مقتدر شکست‌ناپذیری است کارهایش همه از روی حکمت است» آمده است. امر قدسی به خودی خود همان‌طور که خود را در پدیده‌های این عالم متجلی می‌سازد، حقیقتی الهی است. از این رو پدیده‌های عالم مقدس هستند (جهان‌بگلو، ۱۳۸۶: ۲۸۸) و از آنجا که عالم هستی فعل و مخلوق خداوند است، در نزد انسان قدسیت خاصی دارد.

اسلام به محیط زیست با دیده‌ای تقدس‌آمیز نگریده است. رشد آدمی نه تنها در تعامل با دیگر انسان‌ها، بلکه در برخورد بهینه و مشفقانه وی با محیط زیست تحقق خواهد یافت که به‌منزله پلی برای رسیدن به آسمان، در نظر گرفته شده است. (منطقی، ۱۳۸۸: ۳۳۳)

ادراک دینی از نظام طبیعت که تنها به شرط هماهنگی انسان با عالم روح میسر است، بشر را قادر می‌سازد تا آثار تجلی خداوند را در چهره اشیا ببیند و صدای نیایش آنها را بشنود و

میان روان او و مقصد غایی‌اش پیوند ایجاد شود. بشر می‌تواند قداست و معنویت طبیعت را ببیند و در نتیجه نه تنها حرمت آن را حفظ کند، همچون پاره‌ای از وجود خویش با آن رفتار نماید. این پیوند به انسان یادآوری می‌کند که هر مخلوق خداوند چه قدر گران‌بهاست و نابودی ظالمانه هر موجودی - که به صرف وجود خود، نشانه‌ای زیبا از خدا و شاهدی قدسی بر وجود اوست - چه گناه بزرگی خواهد بود. پس برای درک قدوسیت خداوند، نگاه به طبیعت که امری قدسی است، ضروری می‌نماید.

سیدحسین نصر به نقل از علامه طباطبایی می‌گوید: در کوه‌های البرز در شمال تهران پیاده‌روی می‌کردیم؛ تازه نماز صبح را به جا آورده بودیم و معنویت و سادگی عمیقی در فضا و طبیعت اطراف موج می‌زد. علامه فرمود کافی است دو نفر انسان تهی از معنویت، انسان‌هایی که نماز نمی‌خوانند و هیچ‌گونه پیوند و همدلی با طبیعت ندارند، اینجا بیایند. آنگاه خواهید دید طبیعت ناگهان چگونه زیبایی معنوی‌اش را پنهان خواهد کرد. چند دقیقه بعد همین‌طور شد و دو نفر با ظاهری متجدد از پیچ کنار رودخانه سر رسیدند که ناگهان جو تغییر کرد؛ گویی چیزی از نظر پنهان شد. درست مثل اینکه فردی نامحرم وارد منزل مسلمانی سنتی بشود که زنان به سرعت چادر به سر می‌کنند تا زیبایی‌شان را از دید او مخفی دارند. علامه لبخندی زدند و فرمودند: وقتی نامحرم قدم به حیطة قدسی طبیعت می‌گذارند، طبیعت کُنه زیبایی‌اش را از آنان مستور می‌دارد. (نصر، ۱۳۸۶: ۵۴۴ و ۵۵۰)

بنابراین همان‌طور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «تنها خردمندانند که حقایق را در می‌یابند» (زمر / ۹)، زیبایی و قدسی بودن طبیعت را مقدمه‌ای برای درک قدوسیت خداوند معرفی می‌کند و این نگاه مقدسی است که آدمی را آراسته به مراعات اخلاق زیست‌محیطی کرده و او را در قبال این طبیعت قدسی مسئول می‌سازد.

۵. نشانه بودن

یکی از اصول اساسی تعلیمات قرآن، تحقیق در طبیعت برای شناختن خدا و ماورای طبیعت و توجه دادن فکر بشر به طبیعت و پدیده‌های خلقت به‌عنوان آیات معرفت الهی است. کلمه آیه به‌معنای علامت و نشانه است که ۳۸۲ بار در قرآن کریم تکرار شده و حقایق جهان آفرینش،

نشانه‌هایی از قدرت کامل و حکمت بالغه الهی معرفی شده‌اند. از جمله آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه خدا دانسته شده است. (نصری، ۱۳۷۳: ۷۴)

انسان بینا، فاعلیت خداوند در هستی را مشاهده می‌کند و از اشیای عالم عبور کرده، گنه مخلوق و صنع بودن آنها از ناحیه خداوند را در می‌یابد. بنابراین وجود گسترده آیات الهی در طبیعت، هر انسان عاقلی را به این فکر می‌اندازد که آفرینش مخلوقات خداوند هدفمند، سنجیده و زیباست و هر جزء هستی تسبیح‌گوی خداوند بوده، حفظ حقوق و رعایت عدالت در بهره‌گیری از آن بر هر انسانی واجب است.

قرآن طبیعت را نشانه هستی پروردگار معرفی می‌کند (آل عمران / ۱۹۰؛ عنکبوت / ۴۴؛ نمل / ۸۶) و می‌گوید اگر آدمی پیش‌فرض‌های نادرست، تعصب‌ها، گرایش‌های غیر منطقی و فاقد دلیل را که در اعماق ذهن و اعتقاد او ریشه دوانیده و چونان حجابی وی را از دیدن حقایق و درک واقعیت‌های نظام هستی بازداشته‌اند، به کنار نهد، به روشنی درمی‌یابد که در پس پرده این جهان مادی، پروردگاری وجود دارد که آفریننده و تدبیرکننده آنهاست. (حسینی، طبیعت، مخلوق خدا، ۱۳۸۰: ۱۳۸ - ۱۳۷)

طبیعت‌شناسی باید به منزله نشانه‌شناسی تلقی شود و ما را از آیات به صاحب آیات برساند. قرآن می‌فرماید:

و از آیات الهی، خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شما آدمیان است که در این امر نشانه‌هایی برای دانشمندان موجود است. (روم / ۲۲)

بسیارند افرادی که آیات الهی را در طبیعت می‌بینند؛ ولی در آنها تدبیر نمی‌کنند و از آنها بهره نمی‌گیرند:

و چه بسیار نشانه‌هایی بر یکتایی خدا در آسمان‌ها و زمین است که مردم بر آن می‌گذرند؛ ولی از آنها روی می‌گردانند و آنها را درک نمی‌کنند. (یوسف / ۱۰۵)

از پیامبر اعظم ﷺ نیز نقل شده است که فرمود:

لَيْسَ الْأَعْمَىٰ مِنْ يَعْمي بَصْرَهُ، إِنَّمَا الْأَعْمَىٰ مَنْ تَعْمَىٰ بَصِيرَتَهُ. (متقی هندی،

۱۴۱۳: خطبه ۱۲۲۰ / صفحه ۲۴۳

کور کسی نیست که فاقد چشم باشد؛ بلکه کسی است که فاقد بصیرت است.

بنابراین نشانه‌های موجود در طبیعت، آشکارا هر صاحب‌خردی را به‌سوی پروردگار رهنمون می‌سازد و قرآن به‌عنوان ارائه‌دهنده الگوی اخلاق زیست‌محیطی، آیه بودن هستی را به انسان می‌نماید و او با رهنمون شدن به خدای نشانه‌ها، برخورد درخوری در برابر آنها پیش خواهد گرفت.

۶. تسبیح

از منظر قرآن کریم، همه موجودات جهان، خدا را تسبیح می‌گویند؛ تسبیح یعنی پیراستگی خداوند از عیب و نقص که بازگشت آن به توصیف خدا با صفات سلبی او می‌باشد. (سبحانی، ۱۳۶۴: ۱۷۰ و ۱۷۱) چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ
وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ... (اسرا / ۴۴)

آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر که در آنهاست، او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیزی نیست مگر اینکه خدا را همراه با ستایش او تسبیح می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید ...

برخی این تسبیح را با زبان قال دانسته‌اند، نه زبان حال. ظواهر آیات قرآنی نیز این حقیقت را تأیید می‌کند. امام خمینی علیه السلام در تفسیر سوره حمد می‌فرماید:

ما در حجاب هستیم که نمی‌توانیم ادراک کنیم. همین موجودات پایین که هم از انسان پایین‌تر هستند و حتی از حیوان هم پایین‌ترند، ادراک دارند. همان ادراکی که در انسان هست، در آنها هم وجود دارد. تسبیح این موجودات نطق، حرف و لغت است؛ اما به لغت ما نیست. ما محجوبیم و تسبیح موجودات را نمی‌فهمیم. در روایات، تسبیح بعضی از موجودات را هم ذکر کردند که تسبیح چیست؟ در قضیه تسبیح آن سنگریزه‌ای که در دست رسول‌الله صلی الله علیه و آله بود، تسبیحی است که گوش من و شما اجنبی از اوست. چیزهای زیادی است که ما از آنها بی‌خبریم. (۱۴۰۰: ۲۴ و ۲۵)

به هر روی، جهان و همه ابعاد آن دارای شعور هستند و تسبیح موجودات، تسبیح با زبان گفتار و از سر شعور است. (همو، بی‌تا: ۳۸۸)

در حکمت صدرا نیز حیات از شئون هستی شمرده شده است و هر چیز، اعم از مادی و غیر آن برحسب ظرفیت وجودی خود دارای حیات، درک، احساس، شعور و عشق است. صدرا که یکی از پایه‌های حکمتش مبتنی بر برداشت‌های وی از آیات قرآنی است، سرین حیات در جهان طبیعت را با آیات مربوط به تسبیح عمومی هستی تطبیق می‌کند:

فجميع الموجودات حتي الجمادات حية عالمة ناطقة بالتسبيح، شاهدة بوجود ربه، عارفة بخالفها و مبدعها ... و اليه الاشارة بقوله: «و ان من شيء الا يسبح بحمده و لكن لا تفقهون تسبيحهم».

همه موجودات حتی جمادات - گرچه ظاهراً زنده نیستند - زنده و آگاه و گویای تسبیح حق هستند و کاملاً به خالق و مبدع خود آگاهی دارند. قرآن مجید به همین امر اشاره می‌کند که می‌گوید هیچ چیز نیست که تسبیح خدا نگوید و لکن خودشان به تسبیح خود آگاهی ندارند. (شیرازی، بی‌تا: ۱۰۵/۶)

ملاصدرا جمله انتهایی آیه شریفه: «ولکن لا تفقهون تسبیحهم» را به مخاطب تفسیر نمی‌کند؛ بلکه به نحو غایب می‌داند؛ به این معنا که خود آن موجودات به تسبیح خویش آگاهی ندارند؛ هرچند آگاهانه تسبیح می‌گویند. وی در استدلال بر این برداشت می‌گوید:

لأن هذا الفقه - و هو العلم بالعلم - لا يمكن حصوله الا للمجردين عن غواشي الجسمية.

به دلیل آنکه این نحوه علم، یعنی علم به علم (که در فلسفه اسلامی علم مرکب نامیده می‌شود) مخصوص موجودهایی است که دارای تجرد تام بوده، مجرد از جسمیت باشند. (همان)

مولوی نیز به این نکته اشاره کرده است:

جمله ذرات عالم در جهان با تو می‌گویند روزان و شبان
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم با شما نامحرمان ما خامشیم
از جمادی در جهان جان روید غلغل اجزای عالم بشنوید

بنابراین از نگاه قرآن کریم، عالم هستی، یکپارچه زمزمه و غوغاست. هر موجودی به حمد و ثنای حق مشغول است و نوایی خاموش در پهنه عالم هستی طنین افکنده که بی‌خبران، توانایی شنیدن آن را ندارند؛ اما اندیشمندانی که قلب و جانشان به نور ایمان زنده و روشن است، این صدا را از هر سو به گوش جان می‌شنوند و می‌بینند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۲ / ۱۵۵)

در روایات معصومین علیهم‌السلام که شارح آیات قرآن هستند نیز به این مسئله توجه شده است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

پیامبر از داغ کردن و تازیانه زدن به صورت حیوانات نهی کرده است؛ زیرا آنها حمد و ثنای خداوند می‌گویند. (ابن‌جمعه، ۱۴۱۵: ۳ / ۱۶۸)

در منابع نقل شده که آن حضرت وقتی صدای گنجشکی را شنید، فرمود: «می‌دانید اینها چه می‌گویند؟» ابوحزمه ثمالی که از یاران خاص امام بود، عرض کرد نه. حضرت فرمود: «يُسَبِّحُنَّ رَبَّهُنَّ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَسْتَلْنَّ قُوَّتَ يَوْمِيهِنَّ؛ اینها تسبیح خداوند را می‌گویند و روزی خود را از او می‌خواهند.» (مکارم شیرازی و دیگران، همان: ۱۳۸ و ۱۳۹) حیوانات و گیاهان و جمادات دائم در حال شکرگزاری هستند و خداوند را تسبیح می‌گویند:

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِمَّا فَضَّلْنَا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ ... (سبأ / ۱۰)

همانا ما به داود از جانب خود عطیه‌ای دادیم، آنگاه که کوه‌ها و مرغان هوا را برای او رام ساختیم و گفتیم: ای کوه‌ها و ای پرندگان، در تسبیح خدا با او هم‌آواز شوید و خدای را پیایی تسبیح گوید.

سعدی رحمته‌الله می‌گوید:

فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آن‌که شکر یکی از هزار کرد
توحید گوی او نه بنی آدمند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد.

پس از نگاه قرآن، هستی همیشه در حال ستایش خداوند است. از این رو قداست و حرمت الهی، سراسر عالم را فرا گرفته است؛ به گونه‌ای که عالم یکی می‌شود و همواره ستایش‌گر خداوند است و انسان‌ها در برابر این عالم سراسر تسبیح‌گو، همواره با نگاهی سرشار از تعظیم و تقدیس می‌نگرند. (پورمحمدی، ۱۳۸۷: ۲۹۰) الگوی اخلاق زیست‌محیطی برآمده از قرآن کریم، هستی را مسبِّح خدا معرفی و آدمی را به رعایت حقوق هستی از جمله: رعایت حق تسبیح و عبادت جهان هستی با بهره‌برداری شایسته و بدون تخریب محیط زیست ملزم می‌کند. وقتی انسان بداند هستی تسبیح‌گوی حق است، رابطه او با محیط فقط برای تأمین نیازهای خود نخواهد بود؛ بلکه آن را موجودی زنده می‌نگرد و در زندگی خود شریک می‌داند؛ گویی یکی از اعضای خانواده او شده است و به‌عنوان یک موجود زنده و برخوردار از حقوق با آن مواجه می‌شود. در این نگاه قرار دادن محیط زیست به‌عنوان یکی از ارکان هستی که مسیح پروردگار است و در مسیر کمال آدمی خداوند را فرمانبرداری می‌کند ظرفیتی معنوی برای انسان ایجاد می‌کند، که نگاه فرد و مستانه انسان را تغییر داده و با تغییر نگرش انسان رفتار و نحوه مواجهه او با طبیعت خداپسندانه و مقرون با شعور و آگاهی می‌گردد.

۷. سجود

براساس آیات قرآن، تمام موجودات جهان در برابر خدا سجده می‌کنند. واژه «سجده» در لغت به‌معنای تذلل، خضوع و اظهار فروتنی است؛ راغب اصفهانی گوید: اصل کلمه سجود به‌معنای سر فرود آوردن و اظهار خواری است و این کلمه برای بیان خواری در مقابل حق و عبادت آن وضع شده است که شامل انسان‌ها، حیوان‌ها و جمادها می‌گردد و بر دو قسم است: سجود اختیاری که مخصوص انسان است و سجود تسخیری که بر انسان، حیوان و نبات صدق می‌کند. همچنین سجده دارای دوگونه دیگر است: تشریحی و تکوینی. سجده تشریحی همان فعلی است که به صورت امری واجب در اغلب نمازها با گذاردن پیشانی و کف دو دست و سر، زانو و نوک انگشتان پا بر خاک انجام می‌شود. سجده تکوینی هم به‌معنای تذلل و اظهار فروتنی است. (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۱۱۶ و ۱۱۷)

قرآن درباره سجده تشریحی می‌فرماید:

... إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا.
(اسرا / ۱۰۷)

... قطعاً کسانی که پیش از نزول قرآن از معارف الهی برخوردار شده‌اند، هنگامی که قرآن بر آنان تلاوت شود، سجده‌کنان با تمام صورت خود بر زمین می‌افتند.

در آیه‌ای دیگر، سخن از سجده موجودات در برابر ذات مقدس پروردگار به میان آمده است:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ
وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ. (حج / ۱۸)

آیا ندانسته‌ای که هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است و نیز خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان در برابر عظمت و شکوه خدا خضوع می‌کنند؟ و آیا ندانسته‌ای که بسیاری از مردم پیشانی به خاک می‌سایند و برای او سجده می‌کنند و بسیاری هم از سجده به درگاه او خودداری می‌ورزند و به همین سبب عذاب بر آنها حتمی شده است؟ اینانند که خدا خوار و حقیرشان می‌دارد و هر که را خدا خوار دارد، گرمی‌دارنده‌ای برای او نخواهد بود. قطعاً خدا هر چه بخواهد، انجام می‌دهد.

خداوند در قرآن کریم درباره سجده تکوینی موجودات نیز با لفظ «مَنْ» که در اصل برای صاحبان خرد به کار می‌رود، در جمله «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» تنها خضوع موجودات باشعور را مطرح می‌نماید و می‌فرماید:

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ
وَالْآصَالِ. (رعد / ۱۵)

همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند، خواه‌ناخواه در برابر خدا خاضعند و برای او سجده می‌کنند و نیز سایه‌هایشان در هر بامداد و عصرگاه.

یا اینکه می‌فرماید:

آیا به چیزهایی که خدا آفریده است، ننگریسته‌اند که سایه‌های آنها از جهت راست و از جهت چپ پدیدار می‌گردند و می‌چرخند؛ درحالی‌که خدا را سجده می‌کنند و در برابر او خاضعند؟ (نحل / ۴۸)

آری، درختان شاداب و سرسبز، صبحگاهان و شامگاهان در برابر خدا سجده می‌کنند. (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۹: خطبه ۱۳۳ / ۱۷۶) بنابراین در نگرش الهی، طبیعت به‌عنوان موجودی محترم مطرح می‌شود. از همین‌رو رسول خدا ﷺ از هرگونه بی‌حرمتی به طبیعت، نهی کرده است: «زمین را نوازش کنید و از آن برکت بگیرید، زیرا او مادر شماست، مادری که به فرزندان‌ش مهربان است» و «برای من سراسر زمین، مسجد است.» (منطقی، ۱۳۸۸: ۳۵۸ و ۳۵۹) بنابراین انسان‌ها نباید محل عبادت را آلوده و تخریب کنند.

حاصل آنکه نظام آفرینش که برای آدمی آفریده شده، دارای شعور است و در حال تقدیس حق تعالی و دارای احترام می‌باشد. انسان در مجموعه‌ای از نظام آفرینش است که تمام اجزای آن دارای احساس و ادراک هستند و چنین مقدر شده که وی برای سیر کمال خود از سایر اجزای هستی استفاده کند. در نتیجه الگوی اخلاق زیست‌محیطی برآمده از قرآن، احترام به هستی است که در برابر پروردگارش از سر شعور و احساس خاضع است و آدمی را نیز به خضوع فرا می‌خواند تا طغیان را فرو نهد و طبیعت را بر اثر حرص و طمع خود ویران نسازد. چنین نگاهی حفاظت از محیط زیست را ضروری می‌سازد.

تحلیل اوصاف پیش‌گفته و رابطه آن با اخلاق زیست‌محیطی

بهره‌مندی انسان از رفتار و اخلاق پسندیده در مرحله استفاده از مواهب الهی محیط زیست، در پی نگرش صحیح او به عالم هستی حاصل می‌شود. این نگرش صحیح، نتیجه آگاهی از هدفمند بودن، فرمانبرداری، سنجیده بودن، زیبایی، نشانه الهی بودن، تسبیح و تقدیس هستی برای خالق هستی است. بیان حضرت علی علیه السلام درباره ایجاد این نگرش و حس مسئولیت در برابر پدیده‌های طبیعی و موجودات پیرامون آن درخور توجه است:

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ يَلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْيَقَاعِ وَالْبِهَائِمِ.
تقوای الهی را در بندگان و شهرها رعایت کنید؛ زیرا شما در پیشگاه خداوند
حتی درباره خانه‌ها و حیوانات مسئول هستید. (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی،
۱۳۸۹: خطبه ۱۶۷ / ۲۲۸)

علامه مجلسی در شرح این عبارت می‌نویسد:

از زمین‌ها درباره اینکه چرا این را ویران و دیگری را آباد کردید، سؤال می‌شود و از
اینکه چرا خداوند را در آن نپرستیدید و درباره چهارپایان اینکه چرا آنها را گرسنه
رها کردید و به درد آوردید و حقشان را رعایت نکردید. (مقتی، ۱۳۸۶: ۴۵)

بنابراین آدمی باید خود را جزئی از طبیعت و در برابر آن مسئول و نه تافته جداافتاده بداند.
در این صورت نباید خود را برتر از طبیعت بداند و به بهره‌کشی نابجا با آثار غیر قابل جبران
روی آورد. (جان بنسون، ۱۳۸۲: ۲۹۴)

انسان یکی از پدیده‌های هستی است که سرنوشتی جدای از سایر پدیده‌های جهان ندارد.
در عین حال، ویژگی‌های مختص به خود را دارد. (شیخ‌الاسلامی و مزیدی، ۱۳/۱۰/۱۳۸۸: ۷)
انسانی که عاقل، آزاد، مختار و ... آفریده شده است، باید برای نیل به هدف غایی آفرینش
خویش، خود را ملزم به رعایت اخلاق زیست‌محیطی بداند؛ زیرا آنچه مردم انجام می‌دهند، از
اعتقادات آنها سرچشمه می‌گیرد و هر اعتقادی انسان را مکلف به انجام وظایفی مشخص
می‌کند. انسان‌ها باید نگرش خود به طبیعت را دگرگون کنند؛ زیرا با توجه به قرآن، مناسبات
ناپسند انسان‌ها موجب ظهور فساد در دریا و خشکی می‌شود: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا
كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ». (روم / ۴۱) درحالی‌که مناسبات پسندیده اخلاقی انسان‌ها، موجب
گشایش درهای برکات آسمان و زمین به روی آنان می‌گردد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا
لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». (اعراف / ۹۶)

بنابراین بین مناسبات انسانی و محیط زیست، رابطه مستقیمی برقرار است. از نگاه قرآن،
طبیعت در برابر اعمال آدمی عکس‌العمل نشان خواهد داد. در نتیجه انسان‌ها باید در برخورد
با طبیعت، رفتاری را برگزینند که منجر به آبادانی زمین، بدون برهم زدن نظم طبیعی و

سازوکارهای زیست‌محیطی باشد. (بنگرید به: هود / ۶۱)

نتیجه آنکه، از آن جهت که خداوند هستی را هدفمند آفریده و عالم دارای ویژگی‌های تکوینی است و هماهنگ با انسان در مسیر کمالش حرکت می‌کند، برای انسان حقی ایجاد می‌کند که در برابر آن مکلف است. از این رو مسئولیت اخلاقی انسان در برابر محیط زیست شکل می‌گیرد. از طرف دیگر، خداوند این جهان هدفمند را که دارای سنجش و اتقان و زیبایی منحصر به فرد است، تسلیم خود و آدمی ساخته است. از این رو آدمی در برابر نظامی سراسر فرمان‌بردار و سنجیده قرار می‌گیرد و از رهگذر آن در کنار استفاده بهینه از منابع طبیعی با حفظ زیبایی هستی و اتقان آن، مسئولیت اخلاقی انسانی شکل می‌گیرد. تسبیح و سجده جهان هستی در برابر خالق بی‌همتا از دیگر اوصافی می‌باشند که در شکل‌گیری مسئولیت اخلاقی انسان در برابر محیط زیست تأثیرگذار هستند. آدمی با درک این مسئله با حفظ حق هستی در نیایش با پروردگار، به مسئولیت اخلاقی خود رهنمون می‌گردد.

نتیجه

نظام هستی‌شناختی قرآن می‌تواند در ارتقای اخلاق زیست‌محیطی نقش چشمگیری داشته باشد. هستی از دیدگاه قرآن هدفمند، فرمان‌بردار، سنجیده، زیبا و قدسی، نشانه الهی، تسبیح‌گو و سجده‌کننده در برابر حق تعالی است.

توجه به چنین اوصافی با توجه به دلالت صریح آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام که به منزله شرح و تفسیر حقائق آیات هستند، در انسان انگیزه مواجه خردمندانه و اخلاق‌مدارانه را با محیط زیست فراهم می‌سازد. این نوع نگاه و تلقی شعورمندانه از هستی که همراه با ایجاد میل و انگیزه در انسان است می‌تواند زمینه ظهور و بروز افعال اخلاقی و ارتباطی حق‌مدارانه را با محیط زیست سبب شود که در آن حق محیط زیست به‌عنوان یکی از ارکان هستی که کمال آدمی و مدار آن است، استخدام و بهره‌مندی درست از آن است.

در این نوع رفتار است که محیط زیست و مواهب طبیعی از تصرفات قهرآمیز و ویرانگر انسان در امان است و در شکوفایی و رونق آن تلاش صورت می‌گیرد. این مقاله با ذکر آیات

قرآن و تشریح اجمالی از آن، الگویی توحیدی از نحوه مواجهه اخلاقی انسان با محیط زیست و ارتقاء اخلاق زیست‌محیطی را ارائه می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم (ترجمه قرآن براساس المیزان)، ترجمه سید محمد رضا صفوی.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۸۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چ هفتم.
۳. نهج الفصاحه (کلمات قصار پیامبر اعظم ﷺ)، ۱۳۸۶، ترجمه علی شیروانی، قم، انتشارات دارالفکر.
۴. ابن جمعه، عبدالعلی، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۵. الکساندر کیس، وین فرید، لانگک پیتراچ، ۱۳۷۹، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چ اول.
۶. پورمحمدی، علی، ۱۳۸۷، مبانی فلسفی اخلاق زیستی، تهران، مؤسسه فرهنگی، حقوقی سینا، چ اول.
۷. تفرشی، ایوب، ۱۳۸۹، «تفسیر مثنوی معنوی ۲۷۰، عشق و جهان هستی»، <http://ayoub.persianblog.ir>
۸. جان بنسون، ۱۳۸۲، اخلاق محیط زیست؛ مقدمات و مقالات، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، چ اول.
۹. جهان‌بگلو، رامین، ۱۳۸۶، در جست‌وجوی امر قدسی، گفتگو با سید حسین نصر، ترجمه سید مصطفی شهرآیینی، تهران، نشر نی، چ سوم.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، اسلام و محیط زیست، قم، نشر اسراء، چ اول.
۱۱. حسین ذکی، ناظر، ۱۳۸۳، «نگاهی گذرا به نقش اسلام در حمایت از محیط زیست»، مجله فرهنگ جهاد، قم، سال نهم، ش ۳۶.
۱۲. حسین دشتی، سید مصطفی، ۱۳۸۵، معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، ج ۵، ویرایش چهارم، تهران، نشر مؤسسه فرهنگی ارائه، چ اول.

۱۳. حسینی، سید علی، ۱۳۸۰، «طبیعت، مخلوق خدا»، مجله فرهنگ جهاد، قم، سال ششم، ش ۲۴.
۱۴. _____، ۱۳۸۲، «بازخوانی کتاب فقه محیط زیست»، مجله فرهنگ جهاد، قم، سال هشتم، ش ۳۱.
۱۵. حکیمی، محمد رضا، محمد و علی، ۱۳۷۵، *الحیة*، ج ۳، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. سبحانی، جعفر، ۱۳۶۴، *قرآن و اسرار آفرینش (تفسیر سوره رعد)*، قم، نشر مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۷. سعدالدین، محمد منیر، ۱۳۷۸، «محیط زیست و مسئولیت انسان»، مجله فرهنگ جهاد، قم، سال چهارم، ش ۱۶.
۱۸. شیخ‌الاسلامی، راضیه و محمد مزیدی، ۱۳۸۸، «مبانی وجودشناختی و انسان‌شناختی روش‌های تربیتی انسان از دیدگاه قرآن و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله»، خبرگزاری فارس.
۱۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، بی‌تا، *الاسفار الأربعة فی الحکمة المتعالیة*، ج ۶، تصحیح و تحقیق و مقدمه: احمد احمدی، تهران، نشر بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۰. قوام، میرعظیم، ۱۳۷۵، *حمایت کیفی از محیط زیست*، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چ اول.
۲۱. مؤمنی، محتشم، ۱۳۸۳، «درخت در قرآن»، مجله فرهنگ جهاد، قم، سال نهم، ش ۳۵.
۲۲. المتقی الهندی، علاء‌الدین بن حسام‌الدین، ۱۴۱۳، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، ضبطه و فسر غریبه: الشیخ بکری حیانی، صححه و وضع فهارسه و مفتاحه: الشیخ صفوه السقا، الجزء الاول، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۳. متقی، تقی، ۱۳۸۶، *اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله*، قم، نشر پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان در قرآن)*، ج ۴، قم، نشر صدرا، چ بیست و چهارم.

۸۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، س ۴، تابستان ۹۰، ش ۱۲

۲۵. معین، محمد، ۱۳۵۴، *فرهنگ فارسی (متوسط)*، ج ۳، تهران، امیرکبیر، چ دوم.
۲۶. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، ج ۱۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ دهم.
۲۷. منطقی، مرتضی، ۱۳۸۸، «زیست محیط از منظر دین»، مجموعه مقالات قرآن و علوم طبیعی (۲)، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، چ اول.
۲۸. موسوی خمینی (امام)، روح‌الله، ۱۴۰۰، *با قرآن در صحنه (تفسیر سوره مبارکه حمد)*، تهیه و تنظیم: علی‌اصغر ربانی خلخالی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. _____، بی‌تا، *آداب الصلاة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر تراث امام خمینی علیه السلام.
۳۰. موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
۳۱. نصر، سید حسین، ۱۳۷۹، *نیاز به علم مقدس*، ترجمه حسن میانداری، قم، نشر طه.
۳۲. _____، ۱۳۸۰، *معرفت و امر قدسی*، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، چ اول.
۳۳. _____، ۱۳۸۶، *دین و نظام طبیعت (مجموعه سخنرانی‌های ادوارد کلدبری در دانشگاه بیرمنگام ۱۹۹۴)*، ترجمه محمد حسن فغفوری، تهران، حکمت، چ دوم.
۳۴. نصری، عبدالله، ۱۳۷۳، *مبانی جهان‌شناسی در قرآن*، امیرکبیر، چ اول.
۳۵. _____، ۱۳۷۹، *مبانی انسان‌شناسی در قرآن*، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ اول.
۳۶. ولایی، عیسی، ۱۳۸۸، *اسلام و محیط زیست*، قم، اندیشه مولانا، چ اول.
37. Pojman L.P, 2001, "On the ethics and environmental concerns".
In: *Environmental. Ethics: Readings in Theory and Application*.
Thompson and Learning, ed, by L.P. Pojman, London.